

## تحلیل ارتباط میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد

بابک معمار

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل در دانشگاه شهید بهشتی

**چکیده:** شورای امنیت یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است که برای تحقق مهم‌ترین وظیفه خود یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دارای اختیارات ویژه‌ای در این حوزه به عنوان رکن اجرایی سازمان است. یکی از این اختیارات ارتباط مستقیم با آژانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که بر فعالیت‌های مهم و حساس دولت‌ها نظارت بین‌المللی دارند؛ فعالیت‌هایی که اگر از چارچوب قواعد حقوقی موجود در معاهدات مرتبط منحرف شوند، دارای این قابلیت هستند که صلح و امنیت جهانی را به مخاطره اندازند. از طرف دیگر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به عنوان یک آژانس تخصصی مستقل از طریق نظام پادمان هسته‌ای بر مواد و فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای که به اراده خود تحت کنترل مکانیزم‌های این نظام قرار گرفته‌اند، نظارت فعالانه و مستمر دارد. اینکه چه رابطه‌ای بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل وجود دارد و چطور این رابطه می‌تواند به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کند، در این مقاله ارزیابی می‌گردد. بدین منظور، روش توصیفی به عنوان روش اصلی تحقیق به کار گرفته شده و اسناد بین‌المللی به‌ویژه مدارک آژانس استفاده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موافقت‌نامه روابط، شورای حکام، اساسنامه آژانس

## (1) مقدمه

به منظور تحلیل ارتباط بین ارکان سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ابتدا منشور ملل متحد، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه حاکم بر روابط بین سازمان ملل متحد و آژانس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا ظرفیت‌های حقوقی این اسناد برای ایجاد ارتباط مورد نظر مشخص گردد. همچنین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل مقایسه شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها ارزیابی می‌شود. برای نشان دادن اهمیت ارسال گزارش‌های ارسالی به شورای امنیت سازمان ملل توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازکارها و قواعد حقوقی مندرج در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اهمیت ارتباط بین آژانس و سازمان ملل پس از ایجاد پیمان منع گسترش مشخص شود.

در نهایت به رویه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارسال گزارش به شورای امنیت در خصوص عدم پایبندی کشورها به تعهدات پادمانی خود اشاره می‌شود و تفاوت‌های احتمالی در نحوه گزارش‌دهی آژانس به آن شورا مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

## (2) سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد یک معاهده چندجانبه است که در تاریخ 26 ژوئن 1945 در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد برای تشکیل یک سازمان بین‌المللی به امضاء رسید و در 24 اکتبر همان سال لازم‌الاجرا شد. منشور ملل متحد از نظر شکلی یک معاهده بین‌المللی است؛ ولی برخی از نظر محتوایی آن را به نوعی قانون اساسی جامعه بین‌المللی تلقی می‌کنند. (بیگزاده، 1400) مهم‌ترین هدف منشور که باید توسط سازمان ملل متحد محقق شود، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دول است که مکانیزم‌های اجرای آن نیز در منشور مشخص شده است. یکی از تفاوت‌های منشور ملل متحد با میثاق جامعه ملل، به رسمیت شناختن سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و امکان عقد قرارداد با آنها به منظور ایجاد وابستگی بین آنها و سازمان ملل است. در ماده 57 از فصل نهم منشور تحت عنوان «همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی» قید شده است که:

«1- آژانس‌های تخصصی مختلف که به موجب موافقت‌نامه بین کشورها تأسیس و بر طبق اساسنامه‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر رشته‌های مرتبط دارای مسئولیت‌های وسیع بین‌المللی هستند، بر طبق مقررات ماده 63 وابسته به سازمان ملل خواهند شد؛

2- آژانس‌هایی که اینگونه وابسته به ملل متحد می‌شوند از این پس به‌عنوان آژانس‌های تخصصی ذکر خواهند شد.»  
(Charter, 1945)

مقررات ماده 63 در فصل دهم منشور تحت عنوان «شورای اقتصادی و اجتماعی» قید شده و در بند اول آن درج شده است که:

«شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هر یک از آژانس‌های تخصصی پیش‌گفته در ماده 57 قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به‌موجب آن آژانس مربوطه وابسته به ملل متحد خواهد شد را معین کند. اینگونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.» (Charter, 1945)

در بند سوم ماده 17 منشور مقرر شده است که «مجمع عمومی هرگونه ترتیبات مالی و بودجه‌ای برای آژانس‌های تخصصی مقرر در ماده 57 را مورد رسیدگی و تصویب قرار خواهد داد و بودجه اداری این قبیل آژانس‌های تخصصی را به‌منظور

توصیه به آنها بررسی خواهد کرد» (Charter, 1945) از این ماده مشخص می‌شود که سازمان ملل از طریق مجمع عمومی خود بر ترتیبات مالی و بودجه‌ای این آژانس‌ها نظارت مستقیم و تسلط کافی دارد.

در ماده 70 نیز به نمایندگان آژانس‌های تخصصی امکان حضور در مذاکرات شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون‌های آن بدون حق رای داده شده است و نمایندگان شورا نیز می‌توانند در مذاکرات آژانس‌های تخصصی شرکت نمایند.

در منشور سازمان ملل مشاهده می‌شود که نام آژانس‌های تخصصی با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گره خورده است که در مفاد فوق‌الذکر به آنها اشاره شد. برای درک ارتباط بین سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ابتدا باید بررسی شود که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمره آژانس‌های تخصصی قرار می‌گیرد یا خیر. برای مشخص شدن این موضوع محتوای اساسنامه آژانس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### 3) اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

#### پیشینه ایجاد اساسنامه

طرح برنارد باروک در کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل در سال 1946 برای تأسیس یک مرجع بین‌المللی توسعه اتمی برای کنترل تمام مراحل ایجاد، توسعه و کاربرد انرژی هسته‌ای و همچنین پیشنهاد دوایت ایزنهاور در سازمان ملل مبنی بر اتم برای صلح، در نهایت منجر به تدوین اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تصویب آن به اتفاق آراء در کنفرانسی در مقر سازمان ملل در اکتبر 1956 شد. اساسنامه آژانس با تحقق ماده 21 آن در 29 جولای سال 1957 لازم‌الاجرا شد و براساس مقررات و شروط آن، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأسیس گردید. همچنین این اساسنامه سه بار در سال‌های 1963، 1973 و 1989 اصلاح گردید. (بیگزاده، 1400) در حال حاضر 175 کشور، عضو اساسنامه آژانس به‌عنوان یک معاهده چندجانبه هستند که هدف اصلی آن شتاب و توسعه انرژی هسته‌ای در خدمت به صلح، سلامت و رفاه بشری در سرتاسر دنیا است.

آژانس دارای دو رکن اصلی شامل کنفرانس عمومی و شورای حکام است که رکن‌های سیاست‌گذار آژانس محسوب می‌شوند. کنفرانس عمومی متشکل از همه اعضای اساسنامه است که به صورت سالانه در مقر آژانس در شهر وین اتریش برگزار می‌گردد. مهم‌ترین وظایف اصلی کنفرانس عمومی براساس ماده 5 اساسنامه به شرح زیر است:

1- انتخاب اعضای شورای حکام؛

2- تصویب عضویت دولت‌ها؛

3- بررسی گزارش سالیانه شورای حکام؛

4- تصویب بودجه آژانس؛

5- تصویب انتخاب مدیرکل آژانس.

شورای حکام از 35 عضو تشکیل شده است و براساس اساسنامه دارای وظایف زیر می‌باشد:

1- انتخاب مدیر کل آژانس؛

2- تشکیل کمیته و انتخاب افرادی به‌عنوان نماینده در ارتباط با سایر سازمان‌ها؛

3- تهیه گزارشاتی که باید توسط آژانس به سازمان ملل یا سایر سازمان‌های مرتبط با فعالیت‌های آژانس ارسال گردد؛

4- احراز موارد تخطی کشورها از تعهدات قراردادی به‌ویژه موافقت‌نامه‌های پادمان.

همچنین، مدیرکل آژانس توسط شورای حکام و با تصویب کنفرانس عمومی به مدت 4 سال انتخاب می‌شود و تحت ریاست و کنترل شورای حکام، اداره و مدیریت دبیرخانه و دفاتر مختلف فنی را برعهده دارد. مهم‌ترین دفاتر فنی در زیرمجموعه مدیرکل آژانس شامل دفتر پادمان هسته‌ای، دفتر ایمنی و امنیت هسته‌ای، دفتر انرژی هسته‌ای و دفتر همکاری فنی می‌باشد.

#### کلیات اساسنامه

این اساسنامه شامل 23 ماده است که در ماده 2 و 3 آن به اهداف و وظایف آژانس اشاره می‌شود. در بند ج ماده 4 قید شده که آژانس بر اساس اصول برابری حاکمیت کلیه اعضاء خود تشکیل شده است. بنابراین فرقی بین اعضای اولیه و سایر اعضاء قائل نمی‌شود. فصل 5، 6 و 7 به ساختار و وظایف کنفرانس عمومی، شورای حکام و مدیرکل آژانس می‌پردازد. با مطالعه ماده 9، 10 و 11 مشخص می‌شود که برای آژانس یک وظیفه اجرایی و تصدی‌گری برای ارائه مواد، خدمات و تجهیزات هسته‌ای به کشورهایی که توانایی مهیا کردن آنها را ندارند، در قبال اخذ تعهدات لازم در نظر گرفته شده است. ماده 12 در مورد پادمان آژانس است که سال‌ها بعد باعث ظهور موافقت‌نامه‌های جامع پادمان از مسیر ماده 3 پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌شود. همچنین در ماده 12 اساسنامه، به گزارش شورای حکام اشاره می‌گردد که در صورت عدم پایداری دولت‌ها به تعهدات پادمانی، به شورای امنیت و مجمع عمومی ارسال می‌شود. ماده 14 در مورد امور مالی است که تهیه و تصویب بودجه را برعهده شورای حکام و کنفرانس عمومی گذاشته است. در این ماده اشاره شده که در تقسیم هزینه‌ها بین اعضاء، معیار مورد قبول سازمان ملل در ارزیابی کمک‌های مالی دولت‌های عضو به بودجه عادی سازمان، ملاک قرار گرفته است. ماده 15 در مورد اهلیت حقوقی آژانس، مزایا و مصونیت‌های آن در اجرای وظایفش از طریق عقد موافقت‌نامه‌های جداگانه بین آژانس و اعضاء است. ماده 16 به ارتباط آژانس با دیگر سازمان‌ها اشاره می‌کند و در ماده 17 ضمن آنکه حل و فصل اختلافات در تفسیر و اجرای اساسنامه از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری را مجاز می‌داند، درخواست نظر مشورتی توسط شورای حکام و کنفرانس عمومی از دیوان را با اجازه مجمع عمومی سازمان ملل امکان‌پذیر می‌داند. (Statute, 1957)

اساسنامه آژانس به‌موجب ماده 102 منشور سازمان ملل ثبت شده است و بنابراین امکان استناد به آن در مقابل ارکان ملل متحد وجود دارد.

#### مقررات مربوط به ارتباطات آژانس با سایر سازمان‌های بین‌المللی

برخی از مقررات اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ارتباط آژانس با سایر سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه با ارکان سازمان ملل است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. در ماده 16 اساسنامه آژانس تحت عنوان «ارتباط با دیگر سازمان‌ها» اعلام شده که شورای حکام آژانس پس از تصویب کنفرانس عمومی، مجاز به عقد موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌هایی با سازمان ملل و سازمان‌های مرتبط دیگر است. در بند ب این ماده قید شده است که:

«موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌های برقراری روابط بین آژانس و سازمان ملل موارد زیر را فراهم می‌کند:

1- تسلیم گزارشاتی از سوی آژانس همانطور که در بندهای ب-4 و ب-5 از ماده 3 پیش‌بینی شده است؛»

(Statute, 1957)

بنابراین، بند ب-4 و ب-5 از ماده 3 اساسنامه محدوده گزارشاتی را که آژانس برای سازمان ملل ارسال می‌کند و ارکانی را که گزارش باید برای آنها ارسال شود، مشخص می‌نماید. در این بندها ذکر شده است که:

«ب- آژانس در اجرای وظایف خود، اقدامات زیر را انجام خواهد داد:

1- ...؛ 2- ...؛ 3- ...؛

4- ارائه گزارشات فعالیت‌های سالانه به مجمع عمومی سازمان ملل و در صورت لزوم به شورای امنیت و چنانچه

مسائلی در رابطه با فعالیت‌های آژانس بوجود آید که در صلاحیت شورای امنیت باشد، آژانس مراتب را به شورا به‌عنوان رکنی که مسئولیت عمده حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را عهده‌دار است، اطلاع داده تا احتمالاً اقداماتی را که به‌موجب این اساسنامه مجاز به انجام آن می‌باشد، از جمله اقدامات مندرج در بند ج ماده 12، اجرا کند؛

5- ارائه گزارشات به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل و دیگر ارکان وابسته به سازمان ملل در خصوص مواردی که مربوط به صلاحیت این ارکان باشد.» (Statute, 1957)

در واقع، بند ب-4، جواز ارسال گزارش توسط آژانس به شورای امنیت سازمان ملل به‌طور مستقیم و بنا به تشخیص خود آژانس را صادر می‌کند. به‌عبارت دیگر، از این بند چنین استنباط می‌شود که از آژانس به‌عنوان یک سازمان تخصصی مستقل درخواست می‌شود تا مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی در حوزه هسته‌ای را شناسایی نموده و به شورای امنیت گزارش دهد. این موضوع در قسمتی از بند ج ماده 12 اساسنامه که مربوط به پادمان هسته‌ای است، به شرح زیر به شکلی دقیق‌تر بیان می‌شود و عدم پایبندی را به‌عنوان یک مسئله خاص که باید به شورای امنیت گزارش شود، تعیین می‌کند:

«هیئت بازرسان نسبت به اخذ حسابرسی اشاره‌شده در بند الف-6 این ماده و راستی‌آزمایی آن مسئولیت دارد و همچنین نسبت به اینکه آیا عدم پایبندی به تعهدات مقرر در بند «4-و» ماده 11 و به اقدامات مقرر در بند «الف-2» این ماده و به تمام شروط دیگر مندرج در پروتوه مقرر در موافقت‌نامه بین آژانس و کشور یا کشورهای مورد نظر وجود دارد، دارای مسئولیت است. بازرسان هرگونه عدم پایبندی را به مدیرکل آژانس گزارش نموده و وی نیز گزارش مذکور را به شورای حکام ارسال خواهد کرد. شورای حکام از کشور یا کشورهای دریافت‌کننده [مواد یا تجهیزات هسته‌ای] درخواست می‌کند تا موارد عدم پایبندی را جبران کنند. شورا موارد عدم پایبندی را به کلیه اعضاء و شورای امنیت و مجمع عمومی گزارش می‌نماید. ...» (Statute, 1957)

با توجه به مفاد اساسنامه آژانس مشخص می‌شود که مهم‌ترین موضوع برای گزارش به شورای امنیت، عدم پایبندی به موافقت‌نامه‌هایی است که آژانس با کشورها منعقد می‌کند تا مواد هسته‌ای و سایر تجهیزاتی که در اختیار آنها قرار می‌دهد، به سمت اهداف نظامی منحرف نشده و از آنها در مصارف صلح‌آمیز استفاده شود؛ ولی در اساسنامه آژانس پیش‌بینی نشده است که مواد و فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها که توسط آژانس تأمین نشده و تحت نظارت موافقت‌نامه‌های پادمان قرار نگرفته است، در صورت انحراف به سمت مقاصد نظامی، به شورای امنیت گزارش شود. این خلاء باعث شد تا در مقطعی از زمان یعنی اواخر دهه 60 و اوایل دهه هفتاد میلادی برخی از کشورها در مسیر تولید سلاح هسته‌ای قرار گیرند و به‌طور پنهانی این تسلیحات را کسب کنند. اگرچه تدوین و تصویب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نتوانست مانع کشورهایی شود که در مسیر تولید این تسلیحات قرار گرفته بودند، ولی توانست خلاء پیش‌گفته را تا حد زیادی پر نموده و از افزایش تعداد این کشورها جلوگیری کند.

#### ماهیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ارزیابی اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که این آژانس از نوع آژانس‌های تخصصی مورد اشاره در منشور سازمان ملل نبوده و این موافقت‌نامه نباید همانند سایر موافقت‌نامه‌هایی که دیگر آژانس‌های تخصصی با سازمان ملل متحد براساس مواد 57 و 63 منشور ملل متحد منعقد کرده‌اند، انگاشته شود. (بیگزاده، 1400) مهم‌ترین دلایل برای اثبات این موضوع که می‌تواند از اساسنامه آژانس استخراج شود، به شرح زیر است:

1- بر طبق اساسنامه، امور مالی آژانس به‌ویژه بودجه آن توسط شورای حکام و کنفرانس عمومی تهیه و تصویب شده

و ماده‌ای برای بررسی و تصویب آن توسط سازمان ملل وجود ندارد؛  
 2- ارتباط قراردادی بین شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل با آژانس‌های تخصصی باعث ایجاد وابستگی این آژانس‌ها به سازمان ملل شده است؛ در صورتی که مسیر انعقاد قرارداد بین سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متفاوت بود.

در ادامه، بررسی موافقت‌نامه حاکم بر روابط بین سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باعث می‌شود تا استقلال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ویژگی ارتباط آن با سازمان ملل در مقایسه با سایر آژانس‌های تخصصی بهتر مشخص شود.

#### 4) موافقت‌نامه حاکم بر روابط

«موافقت‌نامه حاکم بر روابط بین سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»<sup>1</sup> در سال 1957 به امضای دبیرکل سازمان ملل و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسید و پس از تأیید مجمع عمومی سازمان ملل و تأیید کنفرانس عمومی آژانس در 14 نوامبر 1957 لازم‌الاجرا شد. در مقدمه این موافقت‌نامه به در نظر گرفتن مفاد منشور و اساسنامه به‌طور کلی اشاره شده است؛ ولی عقد موافقت‌نامه روابط از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل و براساس ماده 63 منشور انجام نشد. در بند دوم ماده 1 این موافقت‌نامه، سازمان ملل به صراحت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی مستقل در روابط کاری با سازمان ملل و با ویژگی‌های بین‌الدولی و مسئولیت‌های بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد. در بند سوم این ماده نیز آژانس، مسئولیت‌های سازمان ملل در خصوص صلح و امنیت بین‌المللی و پس از آن توسعه اقتصادی و اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد. (INFCIRC11, 1959) در کل شاید بتوان دلیل این موضوع را در انتظارات جامعه بین‌المللی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جستجو کرد که در آن بعد امنیت هسته‌ای بر بعد اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای سایه افکنده است.

در ماده 3 موافقت‌نامه تحت عنوان «گزارش‌های آژانس به ملل متحد»، دو بند مقرر شده است که بند اول، ارکانی از سازمان ملل را که باید به آنها گزارش ارسال شود، مشخص می‌کند و در بند دوم، به گزارش عدم پایبندی کشورها و به بند ج از ماده 12 که مربوط به پادمان آژانس است، اشاره می‌کند. این دو بند به شرح زیر هستند:

«1- آژانس باید سازمان ملل را از فعالیت‌های خود مطلع نگه دارد. براساس آن، آژانس باید:

الف) گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های خود را به اجلاس سالانه مجمع عمومی ارسال کند؛

ب) در صورت لزوم به شورای امنیت گزارش دهد و شورا را در هر زمان که مسائلی در ارتباط با فعالیت‌های آژانس در حوزه صلاحیت شورای امنیت مطرح می‌شود، مطلع کند؛

ج) به شورای اقتصادی و اجتماعی و به سایر ارکان سازمان ملل در مورد موضوعاتی که مرتبط با صلاحیت‌شان است، گزارش دهد. (بیگزاده، 1400)

2- آژانس باید در مورد هر پرونده عدم پایبندی که در حوزه بند ج ماده 12 اساسنامه‌اش قرار می‌گیرد، به شورای

امنیت و مجمع عمومی گزارش دهد.» (INFCIRC11, 1959)

بنابراین ماده 3 موافقت‌نامه روابط، علاوه بر آنکه به آژانس اجازه می‌دهد تا به تمام ارکان سازمان ملل با توجه به موضوعاتی که در صلاحیت‌شان است، گزارش دهد، بستر ارتباطی و حقوقی لازم برای ارسال گزارش‌های مربوط به عدم پایبندی کشورها به موافقت‌نامه‌های پادمان را نیز به شورای امنیت و مجمع عمومی فراهم می‌کند. در این ماده اولویتی برای

<sup>1</sup> Agreement Governing the Relationship Between the United Nations and the International Atomic Energy Agency



ارسال گزارش‌های عدم پایبندی به شورای امنیت در مقایسه با ارسال همان گزارش‌ها به مجمع عمومی قائل نمی‌شود، ولی ماهیت شورای امنیت، به ویژه آئین رأی‌گیری در آن و همچنین اختیاراتش در ذیل فصل 7 منشور باعث می‌شود که پیامدهای حاصل از ارسال گزارش‌های عدم پایبندی به شورای امنیت بسیار سنگین‌تر از ارسال این نوع گزارش‌ها به مجمع عمومی باشد. ضمن آنکه براساس بند اول ماده 12 منشور، اگر گزارش در دستور کار شورای امنیت قرار بگیرد، امکان هرگونه توصیه‌ای از طرف مجمع عمومی در مورد وضعیت مربوطه، بدون درخواست شورای امنیت تقریباً غیرممکن است. (Charter, 1945)

یکی از پیامدهای ارسال گزارش به شورای امنیت یا مجمع عمومی صدور قطعنامه توسط آنها است که در ماده 5 موافقت‌نامه روابط، آژانس را ملزم به رسیدگی به این قطعنامه‌ها کرده است. در این ماده مقرر شده که:

«آژانس باید هر قطعنامه مرتبط با خودش را که توسط مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل وضع شده، مورد توجه قرار دهد. چنین قطعنامه‌ای باید همراه با سوابق مناسب به آژانس ارجاع داده شود. بنا به درخواست، آژانس باید گزارش هر اقدامی را که توسط خودش یا اعضایش براساس اساسنامه آژانس اتخاذ شده است، در قالب نتیجه‌ای از رسیدگی به این قطعنامه ارجاعی به آژانس تحت این بند، ارسال کند.» (INFCIRC11, 1959)

بنابراین در موافقت‌نامه روابط یک رابطه دو طرفه بین آژانس و شورای امنیت یا مجمع عمومی در نظر گرفته شده است. این رابطه دو طرفه به‌ویژه بین آژانس و شورای امنیت، کمک می‌کند تا فرصت مناسبی برای کشوری که عدم پایبندی آن احراز شده است، به‌وجود آورد؛ به‌طوری‌که قبل از آنکه شورای امنیت مجبور به استفاده از ابزارهای پیش‌بینی‌شده در ذیل فصل 7 منشور شود، امکان برگشت به وضعیت قبل از عدم پایبندی از طریق همکاری بین کشور و آژانس فراهم گردد.

همچنین، سازمان ملل در ماده 10 این موافقت‌نامه به کنفرانس عمومی و شورای حکام آژانس امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مسائل حقوقی در حدود فعالیت‌های آژانس را می‌دهد؛ همان‌طوری‌که در ماده 17 اساسنامه آژانس نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، از تشابه شرایط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقایسه با شرایط آژانس‌های تخصصی سازمان ملل می‌توان به امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مسائل حقوقی با اجازه مجمع عمومی سازمان ملل اشاره نمود.

ماده 16 موافقت‌نامه روابط، مربوط به ترتیبات مالی و بودجه‌ای است که در آن آژانس در مورد سازگاری این ترتیبات با رویه‌های استاندارد و فرم‌های پیشنهادی از طرف سازمان ملل موافقت می‌کند؛ ولی هیچ قیدی در مورد تصویب بودجه یا تصویب سایر ترتیبات مالی آژانس توسط سازمان ملل وجود ندارد. به عبارت دیگر این ماده نشان می‌دهد که در این موافقت‌نامه ترتیبات مالی و بودجه‌ای همانند موافقت‌نامه‌های سازمان ملل که براساس ماده 17 منشور با آژانس‌های تخصصی منعقد می‌شود، در نظر گرفته نشده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این حوزه در مقایسه با آژانس‌های تخصصی سازمان ملل دارای استقلال است.

در کل می‌توان گفت که محتوای موافقت‌نامه روابط با اساسنامه آژانس سازگارتر است و بسیاری از مفاد مربوط به ارتباط این دو سازمان که در اساسنامه آژانس قید شده، در موافقت‌نامه روابط نیز درج شده است؛ در صورتیکه نمی‌توان ماده‌ای در منشور پیدا نمود که به صراحت عقد موافقت‌نامه‌ای با چنین ویژگی‌هایی را مطرح کرده باشد. حتی در پروتکل مربوط به لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه حاکم بر روابط بین سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز فقط به مفاد اساسنامه آژانس، پیوست اساسنامه و کمیسیون آماده‌سازی آژانس اشاره شده و اشاره‌ای به منشور سازمان ملل نمی‌شود. بنابراین، شاید بتوان گفت که عقد موافقت‌نامه آژانس با سازمان ملل با توجه به حساسیت‌های مربوط به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، در قالب اختیارات ضمنی سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قابل توجیه است؛ اختیاراتی که توسط دیوان بین‌المللی

دادگستری در قضیه برخی مخارج ملل متحد (ICJ, 1962)، به عنوان اختیارات ضمنی برای سازمان ملل به رسمیت شناخته شد.

در مجموع می‌توان گفت که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس موافقت‌نامه روابط، سه نوع گزارش به شرح زیر به شورای امنیت سازمان ملل ارسال می‌کند:

- 1- گزارش به شورای امنیت در صورت لزوم در هر زمان که مسائلی در ارتباط با فعالیت‌های آژانس در حوزه صلاحیت شورای امنیت مطرح شود (بند ب-1 ماده 3)؛
- 2- گزارش به شورای امنیت در مورد هر پرونده عدم پایبندی که در حیطه بند ج ماده 12 اساسنامه آژانس (یعنی پادمان) قرار گیرد (بند 2 ماده 3)؛
- 3- گزارش به شورای امنیت در خصوص نتایج اقدامات صورت‌گرفته تحت قطعنامه شورای امنیت که مرتبط با آژانس است (ماده 5).

## 5) پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

هنگامی که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پا به عرصه بین‌المللی گذاشت، کاربرد موافقت‌نامه روابط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد؛ به‌طوریکه پس از لازم‌الاجرا شدن این پیمان، عدم پایبندی دولت‌های عضو به موافقت‌نامه‌های جامع پادمان که در ماده 3 این پیمان انعقاد آن برای کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای الزام شده بود، موجب ارجاع پرونده آنها به شورای امنیت و فعال شدن مکانیزم‌های پیش‌بینی‌شده در فصل 7 منشور ملل متحد شد. بنابراین، در ادامه ابزارهای حقوقی ناشی از تصویب پیمان منع گسترش که باعث ارجاع پرونده‌های کشورهای خاطی به شورای امنیت می‌شود، مطرح می‌گردد.

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به ابتکار کشورهای صاحب سلاح هسته‌ای در سال 1968 برای امضاء مفتوح شد تا به نحوی مؤثر از تولید و اشاعه این تسلیحات توسط سایر کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای جلوگیری کند. این پیمان در سال 1970 لازم‌الاجرا شد و دو تعهد اساسی را برای کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای در نظر گرفت. اول آنکه آنها نباید به دنبال کسب یا ساخت سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای باشند و دوم آنکه این کشورها باید برای اجرای بند اول، تمام مواد هسته‌ای مورد استفاده در تمام فعالیت‌های هسته‌ای را در قلمرو خود، تحت صلاحیت خود یا در هر جایی که تحت کنترلشان است، تحت نظارت پادمان آژانس قرار دهند. (Treaty, 1970) به عبارت دیگر بند سوم پیمان، کشورها را متعهد به پذیرفتن نوعی از موافقت‌نامه‌های پادمان با عنوان «موافقت‌نامه‌های جامع پادمان»<sup>2</sup> می‌کند که در مقایسه با موافقت‌نامه‌های قبلی پادمان که موردی بودند، تمام مواد و فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور را پوشش می‌دهد. برای تدوین موافقت‌نامه‌های جامع پادمان از الگویی تحت عنوان مدرک 153 یا «الگوی موافقت‌نامه‌های جامع پادمان» استفاده شد تا موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین آژانس و کشورها از ساختار واحد پیروی کند. (Cisar, 2012)

از آنجا که پیش‌بینی می‌شد برخی از کشورهای طرف پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که موافقت‌نامه جامع پادمان را پذیرفته‌اند، عضو متعاهد اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نباشند، ماده‌ای در این موافقت‌نامه در نظر گرفته شد تا همچنان امکان ارسال گزارش عدم پایبندی دولت‌ها به شورای امنیت مقدور باشد. به عبارت دیگر ماده 19 موافقت‌نامه جامع پادمان (INFCIRC153, 1972)، بند ج ماده 12 اساسنامه آژانس را برای تمام کشورها از جمله کشورهایی که عضو آژانس نیستند، لازم‌الاجرا می‌کند تا امکان گزارش به شورای امنیت توسط شورای حکام، برای همه کشورهای طرف پیمان منع

<sup>2</sup> Comprehensive Safeguards Agreement (CSA)



گسترش سلاح‌های هسته‌ای وجود داشته باشد. (اسلامی‌زاد، 1402) بنابراین ابزارهای حقوقی لازم برای ارجاع پرونده مربوط به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای که به موافقت‌نامه جامع پادمان پایبند نباشند، به‌طور کامل پیش‌بینی شده است.

کشف برنامه هسته‌ای مخفیانه عراق در ابتدای دهه 90 میلادی باعث شد تا نواقص موافقت‌نامه‌های جامع پادمان آشکار شود. یکی از مهم‌ترین نواقص آنها این بود که کشورها فقط آنچه را که به عنوان مواد و فعالیت‌های هسته‌ای خود اظهار می‌کردند، توسط آژانس راستی‌آزمایی می‌شد و در این موافقت‌نامه‌ها مکانیزمی برای مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اظهارنشده پیش‌بینی نشده بود. این موضوع در نهایت منجر به تدوین پروتکل الحاقی شد تا مکانیزم‌های لازم برای راستی‌آزمایی مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اظهارنشده، ایجاد و اجرا شود. در ماده 1 پروتکل الحاقی ارتباط بین تعهدات مندرج در پروتکل و تعهدات مندرج در موافقت‌نامه جامع پادمان بدین شکل قید شده است که شروط موافقت‌نامه پادمان تا حدی که مرتبط و سازگار با شروط پروتکل الحاقی باشد، باید نسبت به پروتکل اجرا شود و در صورت تزامم بین آنها، شروط پروتکل الحاقی باید اعمال شود. (INFCIRC540, 1997) از آنجا که در پروتکل الحاقی ماده‌ای در خصوص ارجاع پرونده به شورای امنیت وجود ندارد، ماده 19 موافقت‌نامه جامع پادمان، برای هر دو سند قابل اجرا خواهد بود.<sup>3</sup> به عبارت دیگر، شورای حکام می‌تواند موارد مربوط به عدم پایبندی به تعهدات پروتکل الحاقی را نیز به شورای امنیت گزارش دهد.

با آنکه ارجاع و یا گزارش عدم پایبندی کشورها به شورای امنیت توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال 1957 براساس اساسنامه آژانس و موافقت‌نامه روابط امکان‌پذیر بوده است، ولی این اتفاق عملاً تا بعد از لازم‌الاجرا شدن پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و متعاقباً بعد از انعقاد موافقت‌نامه‌های جامع پادمان بین آژانس و کشورها رخ نداد. به عبارت دیگر، همه موارد ارجاع‌شده به شورای امنیت در خصوص عدم پایبندی به تعهدات پادمانی به بعد از دهه 80 میلادی قرن گذشته به‌ویژه دهه 90 باز می‌گردد که ادامه آن در قرن حاضر نیز قابل مشاهده است.

مهم‌ترین دلایل افزایش گزارش‌های آژانس به شورای امنیت در مورد عدم پایبندی برخی از دولت‌ها به ترتیب اهمیت به شرح زیر است:

الف) تغییر اساسی در نوع موافقت‌نامه‌های پادمان: ایجاد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای باعث شد که «موافقت‌نامه‌های جامع پادمان» جایگزین «موافقت‌نامه‌های موردی پادمان»<sup>4</sup> شود. در موافقت‌نامه‌های موردی، کشور متعاقد خودش مشخص می‌کند که کدام مواد و کدام فعالیت‌های هسته‌ای کشور تحت کنترل پادمان آژانس قرار گیرند و کدام مواد و فعالیت‌ها نیز به آژانس گزارش نشوند. (Cisar, 2012) مسلماً با توجه به چنین موافقت‌نامه‌هایی امکان گزارش دادن به شورای امنیت منتفی می‌شود، زیرا کشورهای عضو موافقت‌نامه‌های موردی پادمان می‌توانند بدون تخطی از تعهدات خود، هرگونه برنامه و کاربردی را برای موادی که قانوناً تحت کنترل پادمان قرار نداده‌اند، به اجرا گذارند. پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و به دنبال آن عقد موافقت‌نامه‌های جامع پادمان با کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای باعث شد تا تمام مواد و فعالیت‌های هسته‌ای کشور تحت کنترل پادمان قرار گیرد. بنابراین، در چنین حالتی هرگونه مواد و فعالیت‌های هسته‌ای که به سمت تولید سلاح‌ها و ادوات انفجاری هسته‌ای منحرف شود، می‌تواند توسط آژانس به عنوان عدم پایبندی به شورای امنیت گزارش شود. پس طبیعی به نظر می‌رسد که در 182 کشور عضو پیمان منع گسترش (تا 3 مه 2023) که تعداد زیادی از آنها علاوه بر موافقت‌نامه پادمان، پروتکل الحاقی را نیز تصویب کرده‌اند، انحراف یا عدم پایبندی در حد ارسال گزارش به شورای امنیت مشاهده شود. در واقع افزایش

<sup>3</sup> باید یادآور شد که کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای زمانی قادر به تصویب پروتکل الحاقی هستند که قبل از آن یک موافقت‌نامه پادمانی داشته باشند. بنابراین، با تصویب پروتکل الحاقی، این کشورها هر دو سند را خواهند داشت.

<sup>4</sup> Item-specific Safeguards Agreements

تعداد این نوع از گزارش‌ها را می‌توان مستقیماً مربوط به لازم‌الاجرا شدن پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و متعاقباً افزایش چشمگیر تعداد موافقت‌نامه‌های جامع پادمان دانست؛

ب) تبعیض در اجرای پیمان منع گسترش: عدم اجرای ماده 6 پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که پنج کشور صاحب سلاح هسته‌ای را متعهد به مذاکره با حسن نیت برای خلع سلاح هسته‌ای می‌کند و همچنین عدم اراده قوی در اجرای این ماده، باعث دل‌سردی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای شده است؛ به‌طوری‌که این تصور تقویت شده است که هدف از ایجاد این پیمان فقط مهار کشورهای فاقد سلاح بوده و قصدی برای خلع سلاح هسته‌ای تحت کنترل بین‌المللی مؤثر وجود ندارد. با بررسی رفتار کره شمالی شاید بتوان دلیل خروج آن کشور از پیمان منع گسترش و ارجاع پرونده‌اش به شورای امنیت را در این چارچوب قرار داد.

### 6) رویه گزارش به شورای امنیت با اشاره به موضوع هسته‌ای ایران

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی براساس گزارش‌های هیئت بازرسی، رویه‌های مختلفی در گزارش وضعیت هسته‌ای کشورها به شورای امنیت داشته است که نمونه‌های آن به شرح زیر می‌باشد:

- 1- در پرونده مصر و کره جنوبی، عدم پایبندی گزارش نشد؛
  - 2- در پرونده رومانی و لیبی با قید «صرفاً جهت اطلاع» به شورای امنیت گزارش شد؛
  - 3- در پرونده‌های عراق، کره شمالی، ایران و سوریه جهت اقدام به شورای امنیت ارجاع داده شد.
- ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در بهمن 1384 (4 فوریه 2006) از طریق یک قطعنامه شورای حکام انجام شد که در بند دوم آن، شورای حکام از مدیرکل آژانس درخواست کرده است که در مورد گام‌های مندرج در بند اول قطعنامه که ایران به اجرای آنها ملزم شده، به شورای امنیت سازمان ملل گزارش بدهد و تمام گزارش‌ها و قطعنامه‌های پیشین مرتبط با این موضوع را نیز برای شورای امنیت ارسال کند. همچنین شورای حکام در بند 8 این قطعنامه از مدیر کل درخواست نموده که در مورد اجرای این قطعنامه و قطعنامه‌های قبلی در جلسه بعدی شورای حکام گزارش دهد و پس از آن فوراً گزارش را همراه با قطعنامه شورای حکام که قرار است در مارس 2006 صادر شود، به شورای امنیت ارسال کند. (GOV, 2006)

با آنکه در قطعنامه شورای حکام صراحتاً به عدم پایبندی اشاره نشده است، ولی لحن قطعنامه ارسالی به شورای امنیت و الزام کردن ایران به انجام اقدامات مندرج در بند 1 قطعنامه، همان مفهوم عدم پایبندی را به ذهن متبادر می‌کند. در این قطعنامه ایران ملزم به توقف کامل و دائم غنی‌سازی شده است؛ فعالیتی که در موافقت‌نامه جامع پادمان نیز ممنوع اعلام نشده است. همچنین ایران ملزم به تصویب پروتکل الحاقی شده که مغایر با اصل اراده آزاد کشورها در تصویب معاهدات بین‌المللی است. در طی چند ماه و پس از صدور چند قطعنامه دیگر توسط شورای حکام آژانس و ارسال آنها به شورای امنیت، سرانجام قطعنامه 1696 در 31 جولای 2006 توسط شورای امنیت سازمان ملل برای اولین بار در مورد برنامه هسته‌ای ایران صادر شد که ضمن اشاره به قطعنامه‌های شورای حکام، به‌طور ویژه توقف غنی‌سازی و اجرای پروتکل الحاقی را از ایران درخواست می‌کند. همچنین، در بند 8 این قطعنامه مقرر شده است که «چنانچه ایران تا تاریخ مقرر به این قطعنامه پایبند نشود، شورای امنیت قصد خود برای اتخاذ اقدامات مناسب تحت ماده 41 از فصل 7 منشور ملل متحد به منظور وادار کردن ایران جهت پایبندی به این قطعنامه و به الزامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تصریح می‌کند و ...» (SRES1696, 2006).

در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برخلاف قطعنامه شورای حکام آژانس به صراحت به عدم پایبندی ایران و عواقب آن اشاره شده و اقدام تحت ماده 41 فصل 7 منشور که مربوط به توقف روابط اقتصادی (تحریم‌ها)، ارتباطی و قطع

روابط سیاسی می‌باشد، در نظر گرفته شده است. بنابراین از دیدگاه شورای امنیت، چنانچه وضعیت ایران براساس ماده 39 منشور قابلیت تهدید علیه صلح را داشته باشد، امکان اقدام براساس ماده 41 و 42 فصل 7 منشور وجود دارد.

پرونده هسته‌ای ایران صرفاً به عنوان مثالی از گزارش شورای حکام آژانس به شورای امنیت سازمان ملل، صرف‌نظر از این که تا چه حد این ارجاع منطبق بر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی هسته‌ای است یا خیر، بیان شد تا امکان مقایسه رویه آژانس در ارجاع پرونده به سازمان ملل با شروط مندرج در موافقت‌نامه روابط وجود داشته باشد. در این مقایسه می‌توان تفاوتی بین رویه و قواعد مشاهده نمود که آن عدم ارجاع همزمان گزارش به مجمع عمومی سازمان ملل در کنار ارجاع آن به شورای امنیت است. در واقع براساس بند 2 ماده 3 موافقت‌نامه روابط که مربوط به مسائل عدم پایداری به بند ج ماده 12 اساسنامه آژانس (یعنی مسائل پادمانی) است، آژانس باید به شورای امنیت و مجمع عمومی هر دو گزارش بدهد. (INFCIRC11, 1959) از آنجا که موضوعات مطرح‌شده در قطعنامه آژانس مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران و به‌ویژه ارزیابی فعالیت‌های ایران در رابطه با موافقت‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی است، بنابراین، گزارش پرونده ایران باید براساس بند 2 ماده 3 موافقت‌نامه روابط به صورت موازی و بدون هیچ اولییتی برای مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل گزارش شود (اسلامی‌زاد، 1402)؛ ولی عدم تبعیت کامل آژانس از این قاعده حقوقی مندرج در موافقت‌نامه می‌تواند به دلیل سیاسی، به‌ویژه تفاوت نحوه تصویب قطعنامه در مجمع عمومی در مقایسه با شورای امنیت و اختیارات گسترده شورای امنیت نسبت به مجمع عمومی باشد. مسلماً تنوع و تکثر کشورها در مجمع عمومی و شیوه رای‌گیری بر مبنای اکثریت آراء می‌توانست قطعنامه‌ای غیرسیاسی‌تر از قطعنامه شورای امنیت را برای ایران به ارمغان آورد.

## 7 نتیجه‌گیری

امکان گزارش دادن توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل براساس موافقت‌نامه حاکم بر روابط بین این دو نهاد بین‌المللی، یک ضمانت اجرای قوی در سطح بین‌المللی برای عدم انحراف کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین و سیاسی‌ترین رکن سازمان ملل یعنی شورای امنیت با اختیارات ویژه‌ای که در فصل 7 منشور برایش در نظر گرفته شده است، ضامن اجرای جلوگیری از عدم پایداری یک دولت در برابر جامعه بین‌المللی می‌شود.

نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک سازمان تخصصی مستقل باید ارسال گزارش‌های عدم پایداری در حوزه هسته‌ای با استناد به موافقت‌نامه‌های پادمان و معاهدات بین‌المللی هسته‌ای و همچنین با تکیه بر بازرسی‌ها و راستی‌آزمایی‌های کاملاً فنی باشد. در واقع، آژانس باید گزارش‌های عدم پایداری را به دور از فشارهای سیاسی و به شکلی کاملاً تخصصی تهیه و ارسال کند تا از سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. در این صورت گزارش آژانس به شورای امنیت و مجمع عمومی و به کشورهای عضو اساسنامه آژانس، یک هشدار زودهنگام در سطح بین‌المللی خواهد بود که جامعه بین‌المللی را در مورد هسته‌ای شدن احتمالی یک دولت در آینده نزدیک آگاه می‌کند. پس از آن شورای امنیت، در صورت لزوم، با اقدامات خود براساس ماده 41 و 42 منشور می‌تواند از انحراف مواد و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به سمت سلاح‌ها و سایر ادوات انفجاری هسته‌ای جلوگیری کند.

بنابراین، با بررسی ارتباط بین شورای حکام آژانس با شورای امنیت سازمان ملل می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این مکانیزم ارتباطی مؤثر و قوی که براساس یک سند معاهده‌ای به‌وجود آمده است، باعث ایجاد یک نوع «بازدارندگی» در بین کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز می‌شود تا از رقابت برای رسیدن به سلاح‌ها و ادوات انفجاری هسته‌ای از طریق انحراف در مواد و فعالیت‌های هسته‌ای، پنهان‌کاری و یا حتی تبانی با یک کشور دارنده سلاح هسته‌ای دست بکشند. از شروط لازم برای

مؤثر واقع شدن این مکانیزم، اجرای آن براساس معاهدات بین‌المللی هسته‌ای، دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی آژانس و همچنین دوری از هرگونه تبعیض بین کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای در تمامی مراحل گزارش‌دهی است.

## Abstract

The Security Council (SC) is one of the main bodies of the UN that has special authority as executive body for realization of its most important function through which maintains international security and peace. One of the SC authorities is direct relationship with international organizations and agencies that supervise vital activities of States; Activities that would potentially endanger international security and peace, if they are diverted from legal framework of relevant treaties. On the other, International Atomic Energy Agency (IAEA) as an independent specialized agency actively and continuously supervise nuclear material and activities of Non-Nuclear Weapon States (NNWS) through mechanism of nuclear safeguards system accepted by the States voluntarily. In this study, it is examined what is the relationship between the IAEA and the SC of the UN and how the relationship helps to maintain international security and peace. In this regard, descriptive method is employed as a basic method of study and international documents, especially IAEA documentation, are used.

**Keywords:** Security Council (SC), IAEA, Relationship Agreement, Board of Governors, IAEA Statute

## منابع

### - فارسی

#### الف) کتاب‌ها

- 1) بیگزاده، ابراهیم (1400) حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چ هشتم، انتشارات مجد.

#### ب) مقاله‌ها

- 2) اسلامی‌زاد، حمید، آیین گزارش‌دهی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت با تمرکز بر پرونده هسته‌ای ایران، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 53، شماره 3، پاییز 1402، ص 1443-1464.

### - انگلیسی

#### A) Books

- 3) Cisar, V. and others (2012) Guidance for States Implementing Comprehensive Safeguards Agreements and Additional Protocols, Vienna, IAEA.

**B) Treaties**

- 4) Charter of the United Nations, 1945.
- 5) Statute of the IAEA, 1957.
- 6) Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, 1970.

**C) Cases**

- 7) ICJ (1962). Certain Expenses of the United Nations (Article 17, paragraph 2, of the Charter) Advisory opinion.

**D) Documents**

- 8) GOV/2006/14 (2006). Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, Resolution adopted on 4 February 2006.
- 9) INFCIRC/11 (1959). The text of the Agency's agreements with the United Nations.
- 10) INFCIRC/153 (Corrected) (1972). The Structure and Content of Agreements Between the Agency and States Required in Connection with the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons.
- 11) INFCIRC/540 (Corrected) (1997). Model Protocol Additional to the Agreement(s) Between State(s) and the International Atomic Energy Agency for the Application of Safeguards.
- 12) S/RES/1696 (2006). Resolution 1696 adopted by the Security Council at its 5500<sup>th</sup> meeting, on 31 July 2006.